



قال رسول الله ﷺ:

﴿إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيُتَّقِنْ﴾

الكافي، ج ۳، ص ۲۶۳

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی،
وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

آشنایی با نقش قرآن در زندگی و جوامع بشری

شناسنامه مطلب	
مطلب	m-f-70
رده	مهارتی/فرهنگی/قرآن و عترت/اهداف و رویکرد/قرآنی
برچسب	قرآن، شناخت قرآن، امام خامنه‌ای
توضیحات	

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

قرآن کتاب حکمت است، کتاب علم است، کتاب حیات است. حیات امت‌ها و ملت‌ها در آشنائی با معارف قرآن و عمل به مقتضای این معارف و عمل به احکام قرآنی است. انسان‌ها اگر طالب عدالتند و از ظلم بیزارند، راه مبارزه‌ی با ظلم را باید از قرآن فرا بگیرند. انسان‌ها اگر طالب علمند و به وسیله‌ی معرفت و آگاهی و علم می‌خواهند زندگی را رونق ببخشند و راحت و رفاه را برای خودشان تأمین کنند، راهش به وسیله‌ی قرآن نشان داده می‌شود. انسان‌ها اگر در پی ارتباط با خدای متعال و صفای معنوی و روحی و آشنائی با مقام قرب الهی هستند، راهش قرآن است. نقش قرآن این است که ما را از لحاظ ماده و معنا اعتلاء ببخشد؛ و این کار را قرآن میکند. کسانی که با تاریخ آشنا هستند، نمونه‌هایش را در تاریخ دیدند؛ و ما مردم این زمان، در زمان خودمان داریم نمونه‌هایش را مشاهده می‌کنیم. یک نمونه، همین شما ملت عزیز ایران هستید.^۱

قرآن کتاب سعادت بشر است بلاشک سعادت دنیا و آخرت. قرآن فقط برای سعادت آخرت نیست؛ سعادت دنیا را هم قرآن تأمین میکند. سعادت دنیا یعنی برخورداری از نِعَم الهی در این نشئه؛ این را با قرآن میشود تأمین کرد. میشود ملت‌ها با قرآن، با عمل به قرآن عزّت پیدا کنند، رفاه پیدا کنند، دانش پیدا کنند، قدرت پیدا کنند، وحدت و انسجام پیدا کنند، سُبک زندگی شیرین پیدا کنند؛ این‌ها همه امور دنیوی است. آخرت هم که حیات معنوی و حقیقی و مستمر و ابدی است، با قرآن حاصل میشود. پس قرآن کتاب سعادت دنیا و آخرت است، به شرط آنکه ما به قرآن عمل بکنیم، ببینیم قرآن چه می‌گوید^۲

۱-دیدار قاریان و حافظان و اساتید قرآنی ۱۳۹۰/۵/۱۱

۲-دیدار شرکت کنندگان در مسابقات بین المللی قرآن ۱۳۹۸/۱/۲۶

امیرالمؤمنین فرمود:

«و ما جالس هذا القرآن احد الا قام عنه بزيادة أو نقصان: زیادة فی هدی، أو نقصان من عمی»

(نهج البلاغه خطبه ۱۷۶)

وقتی از کنار قرآن بلند میشوید، چیزی بر شما افزوده شده است، و آن هدایت است؛ و چیزی از شما کم شده است، و آن کوری و جهالت است. قرآن یک دریای عمیق و یک بحر واسع است و نهایتی ندارد؛ هرچه پیش بروید - چه در سطح قرآن، چه در اعماق آن - همچنان امکان سیر و پیشرفت و حرکت وجود دارد^۱

مشکلات هر جامعه‌ای با قرآن حل خواهد شد. با معارف قرآنی، مشکلات حل میشود. قرآن راه حل معضلات زندگی بشر را به فرزندان آدم هدیه میکند؛ این وعده‌ی قرآنی است و تجربه‌ی دوران اسلام هم این را نشان داده. هرچه ما به قرآن نزدیکتر شویم، هرچه عمل قرآنی در میان ما - چه در روح ما، چه در اعمال جسمانی ما، چه در فرد ما، چه در اجتماع ما - بیشتر شود، به سعادت، به حل مشکلات و معضلات نزدیکتر میشویم.

عزت در سایه‌ی قرآن است، رفاه در سایه‌ی قرآن است، پیشرفت مادی و معنوی در سایه‌ی قرآن است، اخلاق نیک در سایه‌ی قرآن است، سلطه و غلبه‌ی بر دشمنان در سایه‌ی قرآن است. ما ملت‌های مسلمان اگر این حقایق را بدرستی درک کنیم و در راه رسیدن به این هدف‌ها تلاش کنیم، یقیناً بهره‌های زیادی خواهیم برد^۲

قرآن یک اثر هنری بی‌نظیر است، یعنی یک جنبه‌ی از عظمت قرآن و اهمّیت قرآن عبارت است از زیبایی هنری قرآن؛ اتفاقاً آن چیزی که در درجه‌ی اوّل دلها را مثل مغناطیس به سمت اسلام جذب کرد، همین جنبه‌ی هنری قرآن بود. عربها، هم موسیقی الفاظ را می‌فهمیدند، هم

۱- دیدار جمعی از قاریان ۱۳۷۰/۱۱/۱۷

۲- دیدار قاریان ۱۳۹۱/۴/۳۱

با زبان ادب آشنا بودند - در آن محیط عربی این جوری بود - ناگهان دیدند یک پدیده‌ای وسط آمد که شبیه آن را نشنیده‌اند؛ نه شعر است، نه نثر است اما یک پدیده‌ی هنری فوق‌العاده است. این همان چیزی است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) میفرماید: **ظَاهِرُهُ أَيْقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ**؛ (نهج البلاغه خطبه ۱۸) «اَیْق» یعنی آن زیبایی شگفت‌آور، آن زیبایی‌ای که وقتی انسان در مقابل آن قرار میگیرد، به حیرت می‌افتد؛ زیبایی در قرآن این جوری است. البته آن جنبه‌ی دَوَم هم - **وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ** - با همین کار هنری ارتباط دارد، ارتباط پیدا میکند؛ یعنی این شیوه‌ی خواندن میتواند تا حدود زیادی ما را به آن باطن رهنمون بشود؛ اما بایستی توجه به باطن قرآن پیدا کرد. منظورم از «باطن قرآن» آن بطونی نیست که فقط اهل الذکر، ائمه‌ی هدی (علیهم السلام) از آن آگاهند؛ آن کار ما نیست - آن را بایستی برویم یاد بگیریم از روایات، از بیانات ائمه (علیهم السلام) و بفهمیم - مراد همین عبارت ظاهر است. [مثلاً] قرآن میگوید: **وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ**؛ (سوره اعراف آیه ۱۲۸) **خَبْ عَاقِبَتِ - پَایان کار - یعنی چه؟** پایان کار متعلق است به متّقین؛ هم پایان کار دنیا متعلق به متّقین است، هم پایان کار آخرت متعلق به متّقین است، هم مبارزات اگر بخواهد پیروز بشود متعلق به متّقین است، هم در میدان جنگ اگر بخواهید بر دشمن پیروز بشوید باید متّقی باشید. ببینید! [اگر] دَقّت بکنید، [می‌بینید] عاقبت مال متّقین است؛ این را یک خرده عمق پیدا کنیم، دَقّت پیدا کنیم، از جمله نگذریم. [یا مثلاً:] **وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ**؛ (سوره بقره آیه ۱۵۵) این خوف چیست؟ جوع چیست؟ انسان بایستی تأمل کند بر روی این کلمات، بر روی این مفاهیم؛ معنای این، همان تدبّر در قرآن است؛ تدبّر در قرآن، اینها است.

بَاطِنُهُ عَمِيقٌ؛ این عمق را هر کسی به اندازه‌ی توانایی خودش، به اندازه‌ی آگاهی‌های خودش، مطالعات خودش، فهم و هوش خودش، میتواند پیش برود؛ همه به یک اندازه پیش نمیروند.

ما هم میتوانیم بالاخره یک دست و پایی بزنیم؛ این دست و پا را بزنیم یعنی دقت بکنیم که از قرآن معارف بفهمیم. اینکه گفته میشود «از قرآن درس زندگی بیاموزیم»، معنایش این نیست که مثلاً فرض کنید که بایستی ما قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را هم در قرآن پیدا کنیم؛ نه، قرآن ذهن ما را به معارف عالی مزین میکند. وقتی ذهن انسان با معارف عالی بالا رفت، همه‌ی اسرار عالم را میتواند بفهمد؛ حکمت می‌آموزد:

آن که در او جوهر دانایی است

بر همه کاریش توانایی است. (نظامی، مخزن الاسرار)

وقتی شما فهمیدید که معارف قرآنی این‌ها است و این‌ها مثلاً در ذهن جامعه، در ذهن مجموعه‌ی مجتمع در این کشور یا لااقل مجموعه‌ی قرآنی ما تثبیت شد، آن وقت باب‌های معارف گوناگون بشری به روی انسان باز میشود^۱